

بررسی تأثیر ظرفیت اجتماعی بر دلبستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران^۱

زهرا خدائی^۲، مجتبی رفیعیان^۳، هاشم داداش پور^۴، علی اکبر تقوایی^۵

چکیده

در این مقاله به بررسی تأثیر ظرفیت اجتماعی بر دلبستگی به مکان در محلات منتخبی از شهر تهران پرداخته شده است. روش این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیل همبستگی بوده است و داده‌های مورد نیاز با استفاده از توزیع ۴۷۵ پرسشنامه و مطالعات میدانی و نیز مصاحبه‌های حضوری با نوجوانان در رده سنی (۱۲-۱۶) ساله از محلات الهیه، نارمک، هاشمی و یافت آباد که به روش طبقه‌ای سیستماتیک انتخاب شده بودند، انجام شد. هدف کلی از پژوهش حاضر، تعیین روابط علی میان مولفه‌های ظرفیت اجتماعی بر شاخص دلبستگی به مکان و تبیین معناداری یا عدم معناداری آنها در محلات منتخب است. بدین منظور از آزمون پارامتریک F و نیز آزمون Tukey استفاده شد تا بتوان محلات منتخب را خوشه بندی کرد. نتایج آزمون F نشان داد که از میان مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی (انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی و اعتماد اجتماعی) فقط در متغیر مشارکت اجتماعی بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. براساس نتایج آزمون Tukey محله الهیه کمترین و محله یافت‌آباد بیشترین میزان مشارکت اجتماعی را دارا هستند و فقط بین این دو محله تفاوت معناداری وجود داشت. در خصوص سنجش رابطه دو متغیر، ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شد. از بین مؤلفه‌های متغیر ظرفیت اجتماعی، مولفه اعتماد اجتماعی، بیشترین همبستگی را با متغیر دلبستگی به محله دارد. ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیر شاخص ظرفیت اجتماعی و دلبستگی به محله برابر با ۰.۳۸۰ است که حاکی از همبستگی متوسط بین دو متغیر است.

واژگان کلیدی: دلبستگی به مکان، سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌های اجتماعی، نوجوانان، شهر تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۲۵

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری مولف اول در رشته شهرسازی با عنوان «تبیین ظرفیت‌های اجتماعی- مکانی محیط‌های عمومی شهری، از منظر گروه نوجوان در شهر تهران» می‌باشد که تحت راهنمایی مؤلف دوم و سوم در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس در حال انجام است.

۲- دانشجوی دکتری شهرسازی- دانشگاه تربیت مدرس (E-mail: z.khodae@modares.ac.ir)

۳- دانشیار گروه شهرسازی- دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده و مسئول مکاتبات) (rafiein_m@modares.ac.ir)

۴- استادیار گروه شهرسازی- دانشگاه تربیت مدرس (h_dadashpoor@modares.ac.ir)

۵- دانشیار گروه شهرسازی- دانشگاه تربیت مدرس (taghvaea@modares.ac.ir)

مقدمه

استفاده از مفهوم ظرفیت اجتماعی، با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به منزله یک راه حل اجرا شدنی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاست‌گزاران و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (Warner, 1999:126). از سویی اداره و مدیریت شهری خصوصاً در سطح محله بدون اعتماد و مشارکت اجتماعی شهروندان در امور شهری و محلی و به کارگیری نظام مند سرمایه اجتماعی در خدمت توسعه شهری ممکن نخواهد بود. این مهم افزایش تعلق و نظم اجتماعی شهروندان را به همراه آورده و تعامل و ارتباط فراگیر مردم و مدیران شهری را موجب می‌شود و علاوه بر پویایی اجتماعی محلات شهری سبب گسترش مناسبات و روابط اجتماعی در سطح محله‌ها و در بین شهروندان شده و در کل ظرفیت‌ها و مهارت‌های افراد را در حل مشکلات افزایش داده و آنان را از حمایت‌های اجتماعی بهره‌مند می‌سازد. در این بین آنچه بیشتر در شهرهای ما ملموس است گسستگی روابط در سطح تصمیم‌گیران و کنش‌گران اجتماعی در سطح محلات است.

علیرغم نقشی که فرآیند هویت‌سازی و شکل‌گیری هویت اجتماعی در تعاملات فردی و اجتماعی افراد و جوامع داشته و دارد، گویا نهادهای اجتماعی نتوانسته‌اند آن‌گونه که باید در پروسه اجتماعی کردن، افراد، ارزش‌ها و هنجارها را نهادینه کنند تا پاسخگوی نیازهای نسل جوان امروز باشد (توسلی و اصل زعیم، ۱۳۸۷: ۷).

به نظر می‌رسد در شرایط کنونی توجه به محله‌های شهری و مطالعه ظرفیت‌های موجود در آن به منظور شناسایی و تقویت حس دلبستگی به مکان در سطح محلات یک فرصت و ضرورت انکارناپذیر می‌باشد. میزان دلبستگی به مکان از جمله شاخص‌هایی است که نشان می‌دهد این مطالبات به چه میزان پاسخ داده شده است. از لحاظ کاربردی، محیط دوستدار کودک به بچه‌ها این امکان را می‌دهد تا ظرفیت‌ها و قابلیت‌های مکان را محقق سازد و از طرفی این تعاملات به واسطه کاربرد روزانه به کودکان این امکان را می‌دهد تا آنان احساسات و عواطف خود را در مورد مکان بسط دهند و نقش جدیدی برای مکان و خود، به واسطه کاربرد مکرر و تحقق قابلیت‌های مکان تصور نمایند.

این پژوهش با درک اهمیت رویکرد توجه به خواسته و نیاز گروه سنی و جنسی (۱۲-۱۶ ساله)، به دنبال بررسی تبیین ظرفیت‌های اجتماعی محیط‌های عمومی شهری جهت ارتقاء دلبستگی به مکان در شهر تهران می‌باشد. در این میان، ظرفیت اجتماعات محلی^۱ به عنوان یکی از نظریه‌های مطرح در این خصوص مورد توجه قرار گرفته است. در این نظریه بر رویکردهای اجتماع محور با توجه به مقیاس محلی در برنامه‌ریزی و استفاده از فرایندهای پایین به بالا تأکید می‌شود. با در نظر گرفتن نقش محله به عنوان یک عنصر با اهمیت در محیط‌های عمومی شهری و ضرورت بهینه‌سازی آن برای پاسخگویی به بخشی از نیازهای اساسی زندگی شهری - نقشی که می‌تواند در جهت ارتقای کمی و کیفی زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر مؤثر افتد- و همچنین تقویت مکانیسم حضور کودکان در محیط‌های عمومی شهری، تلاش می‌شود با اتخاذ نگرش‌های برنامه‌ریزانه، راهکارهای مداخله در جهت بهبود و افزایش اثربخشی حضور گروه‌های سنی و جنسی در محلات منتخب از شهر تهران بر پایه دیدگاه‌های اخذ شده از نوجوانان، ارائه شود. سوال اساسی در پژوهش حاضر این خواهد بود که آیا محیط‌های شهری ظرفیت اجتماعی لازم را برای پاسخگویی به مطالبات گروه‌های اجتماعی نوجوان (گروه هدف ۱۲ تا ۱۶ ساله) دارا می‌باشند به گونه‌ای که دلبستگی و تعلق مکانی با فضاهای شهری ایجاد گردد؟

۱- مبانی نظری

۱-۱- **ظرفیت اجتماعی:** فضاهای مسکونی محله‌های شهری و محیط‌های اجتماعی که در بستر زمان و مکان با رشد و توسعه شهرها دچار دگرگونی و تغییرات اساسی شده‌اند، هنوز هم به دلیل نقشی که در زندگی و مناسبات اولیه مردم ایفا می‌کنند از اهمیت خاصی در شکل‌دهی و پایداری روابط اجتماعی برخوردارند (فتیحی، ۱۳۹۱: ۴۷). در این میان، هنگامی که از اجتماع و چگونگی زندگی در اجتماع سخن به میان می‌آید، اصطلاحی که اغلب در کنار این مفهوم مطرح می‌شود، ظرفیت‌های اجتماعی است که مبتنی بر سرمایه‌های محلی، مشارکت ساکنان و ظرفیت‌سازی می‌باشد. ظرفیت اجتماعات محلی به بیان فریدمن (۱۹۹۳: ۴۸۲) با تأکید بر تقویت و اهمیت نقش سطوح محلی و حضور مردم، انجمن‌ها و نهادهای مدنی در عرصه تصمیم‌گیری، به تأکید بر نقش شهروندان و مشارکت و همکاری آنان در عرصه فعالیت‌ها و اقدامات روزمره و تدوین برنامه‌هایی که با نیازها و شرایط محلی و در سطح اجتماعات مناسب داشته باشد، می‌پردازد. توسعه شبکه‌های فضایی به تنهایی نمی‌تواند تأمین‌کننده اهداف توسعه محله-ای باشد. بدین ترتیب در کنار ضرورت‌های فضایی نیازمند بازسازی اجتماعی و احیاء و تقویت شبکه تعاملات اجتماعی است. محله‌های شهری با وجود تقویت شبکه تعاملات اجتماعی و روابط اجتماعی پایدار و حس تعلق خاطر و مسئولیت‌پذیری ساکنان یک محله مورد توجه قرار می‌گیرند (Rosland, 2000:81). در این میان، سرمایه اجتماعی (به عنوان مهم‌ترین دارایی محلی) عامل اساسی در ظرفیت‌سازی اجتماعات محلی بوده است. سرمایه اجتماعی همانند سرمایه اقتصادی منابعی است که در ساختار روابط نهفته است که این روابط مبتنی بر مشارکت، انسجام و اعتماد بین افراد و گروه‌ها می‌باشد (نوابخش و صوری، ۱۳۸۸: ۸۲).

از آنجا که توافق کلی درباره سنجه‌های سرمایه اجتماعی در ساختار شهری موجود نمی‌باشد، همچنین به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری این مفهوم، امکان جمع‌شخص‌های ارزیابی و سنجش آن مشکل است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که رویکردی جامع و مانع بر میزان سنجی آن در محلات و عرصه‌های عمومی شهری ممکن شود (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۶). در مجموع یکی از بسترهای شبکه‌ای که سرمایه اجتماعی می‌تواند در آن تحقق عینی پیدا کند، اجتماع محله‌ای می‌باشد و به عبارتی اجتماع محله‌ای همان سرمایه اجتماعی است که در کالبد فضای مشخص و محدوده مکانی، تعیین می‌یابد و به شکل مدرن خود (یعنی آگاهانه، انتخابی، داوطلبانه و پایدار) به فعلیت می‌رسد و وجود سطحی از تمامی ابعاد ظرفیت‌های سرمایه اجتماعی (اعم از اعتماد، هنجار، انسجام و مشارکت) برای تشکیل اجتماع محلی لازم و ضروری می‌نماید که در این زمینه مشارکت اجتماعی به عنوان مفهومی مرکزی و اصلی سرمایه اجتماعی و بالطبع اجتماع محله‌ای است. نکته قابل توجه حضور افرادی با منافع و ارزش‌های مشترک همراه با روابط متقابل و شبکه‌های اجتماعی میان آنهاست. در راستای تعیین شاخص‌های ارزیابی و توجیه سنجه‌هایی که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، به شاخص‌شناسی معیارهای سرمایه اجتماعی اشاره می‌شود:

- **شاخص‌شناسی پاتنام^۱:** پاتنام (۲۰۰۰)، ارزیابی سرمایه اجتماعی را در ارتباط با میزان مشغله‌های زندگی اجتماعی و فعالیت‌های سازمانی، مشغولیت‌های عمومی مانند انتخابات و مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی - شهری و اجتماعی شدن غیر رسمی مانند دیدار با دوستان می‌داند. بدین ترتیب، سنجه او دارای دو عامل اساسی است: سنجه مشارکت انجمنی و سنجه اعتماد.
- **شاخص‌شناسی الریگ و هالپرن^۲:** الریگ و هالپرن (۲۰۰۲)، برای سنجش سرمایه اجتماعی، از شاخص‌هایی چون میزان تمایل شهروندان برای شرکت در گردهمایی‌های اجتماعی، میزان مشارکت در انتخابات و گزینش‌های سیاسی و میزان اعتماد محلی استفاده کرده‌اند.

¹ - Putnam

² - Alrige and Halpern

• شاخص‌شناسی هال^۱: هال در این رابطه به شبکه‌هایی از میزان اشتراک پذیری (رسمی و غیر رسمی) و هنجارهایی از اعتماد اجتماعی اشاره دارد که در میزان اجتماع پذیری شهروندان و تمایل برای حضور در فضاهای عمومی شهری، امکان تحقق می‌یابد (پورجعفر و محمودی نژاد، ۱۳۸۸: ۳۶).

• شاخص‌شناسی SANOS: در این رابطه باید به سنجه‌هایی مانند مشارکت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی در گستره ای از نهادهای دولتی تا ارگان‌های خصوصی مانند سازمان‌های غیر رسمی و محله اشاره کرد. همچنین می‌توان از شاخص‌های مربوط به گرایش‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌ها نام برد که به سیستم اعتقادی، ارزش‌ها و اهداف مشترک جمعی، ترس‌ها و دلهره‌های مشترک اجتماعی، تاریخ و انتظارات مشترک و میزان اعتماد و اطمینان بین گروه‌های اجتماعی و شهروندان اشاره کرد (محمدی آیدیغمش، ۱۳۸۹: ۴۰).

آنچه در میان محققان داخلی و خارجی در رابطه با سرمایه اجتماعی حائز اهمیت است، دربرگیرنده شاخص‌هایی همچون: عضویت در انجمن‌های محلی و تعاملات اجتماعی (کرتزمن و مک نایت، ۱۹۹۳)؛ تمایل به مشارکت، انسجام اجتماعی و حس تعلق (مهبیار عارفی، ۱۳۸۰)؛ شبکه روابط اجتماعی، هنجارها و اعتماد اجتماعی (مشی و کانینگهام)؛ ثبات و اندازه شبکه از ارتباط‌هایی که شبکه می‌تواند به طور مؤثری ارتقاء دهد (پی یو بوردیو)؛ همبستگی اجتماعی (جیکویز، پروژه NEHOM)؛ شبکه روابط اجتماعی و مشارکت مردم در گروه‌ها (پانتام، ۲۰۰۰)؛ نظام‌های حمایتی خانواده و مدرسه و سازمان‌های افقی و عمودی (جیمز کلمن)؛ مشارکت در اجتماع محلی، فعالیت در متن اجتماع، احساس اعتماد و امنیت، ارتباطات همسایگی و محله‌ای، ارتباطات دوستانه و خانوادگی، پذیرش تنوع، ارزشمندی زندگی و ارتباطات کاری (بولن و آیکس)؛ مدت ارتباطات [مثبت و متقارن]، تمرکز احساسی صمیمانه، کمیت و کیفیت خدمات متقابل تأمین شده (مارک گرانووتر)؛ اعتماد متقابل و تمایل به خیر عمومی (سیمپسون و همکاران)؛ اعتماد، رابطه متقابل و همکاری (جان دارستون)؛ ارتباط‌های متقابل، فرصت‌های کنش متقابل و مکان‌های ملاقات، وظایف متقابل، دسترسی به دانش (دیوید رابینسون)؛ آگاهی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی، مشارکت رسمی، مشارکت غیر رسمی خیره‌ای، مشارکت غیر رسمی همیارانه، مشارکت غیر رسمی مذهبی (فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۸۵)؛ مشارکت مدنی، پیوندهای همسایگی و اعتماد (خاکپور، ۱۳۸۸)؛ اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت (رضازاده و رضایی، ۱۳۸۸)؛ اعتماد اجتماعی، مشارکت رسمی و غیر رسمی (رحمتی، ۱۳۸۷)؛ اعتماد اجتماعی، مشارکت غیر رسمی، مشارکت مذهبی، مشارکت مدنی، پیوندهای همسایگی و احساس تعلق (موسوی، ۱۳۸۵)؛ امنیت، انسجام اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و اعتماد اجتماعی (زندرضوی و دیگران، ۱۳۸۸)؛ ارتباطات محلی نزدیک و پویا میان اهالی، پیوند و همبستگی بین ساکنان، حس تعلق ساکنان به محله، مشارکت در نهادهای محلی و شبکه‌های غیر رسمی (معززی و امینی، ۱۳۸۹) است.

ظرفیت‌سازی و سرمایه اجتماعی دو مفهوم کلیدی است که بسیاری از صاحب‌نظران در نگرش جدید به برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بر آن تأکید دارند. به عنوان نمونه بولن (۲۰۰۰) در این فرایند ضمن تأکید بر ظرفیت‌سازی برای ایجاد اجتماعات، توسعه آنها را منوط به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دانسته و به این مهم اشاره دارد که سرمایه اجتماعی پیش‌نیاز فرایند توسعه اجتماعات محلی خواهد بود. بولن اجتماعات محلی با سرمایه اجتماعی بالا را دارای مشخصات زیر می‌داند: ۱- مردم احساس خواهند کرد جزئی از محله هستند. ۲- احساس مفید بودن و سودمندی کرده و توانایی آنها برای مشارکت واقعی در محله تقویت می‌گردد. ۳- محله را متعلق به خود دانسته و در آن احساس امنیت می‌کنند. ۴- شبکه‌های زیادی از ارتباطات متقابل میان افراد شکل می‌گیرد. همچنین از مزایای برنامه‌ریزی محله محور می‌توان به افزایش ظرفیت محله‌ای، آمادگی محله‌ای، انباشت سرمایه اجتماعی، مدیریت از پایین، مشارکت شهروندی، رویکرد دارایی مبنای و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار در ابعاد مختلف را ذکر نمود (حاجی پور، ۱۳۸۵: ۴۲). در این تحقیق ظرفیت اجتماعی با تأکید بر سرمایه اجتماعی و با در نظر گرفتن سه مولفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و

¹ - Hall

مشارکت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. آنچه در مبحث سرمایه اجتماعی در سطح محله‌های شهری می‌بایست مدنظر قرار گیرد، تلاش برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی در تعامل با یکدیگر است چرا که یکی از آنها ناظر به شبکه‌ها، قوانین و نهادهاست و دیگری ناظر به شهروندان و ساکنان محله‌های شهری است. لذا در صورتی می‌توان از وجود سرمایه اجتماعی به نحو مطلوب در سطح محله استفاده کرد که هم نهادهای خاصی مانند شوراها و برخی دیگر از نهادهای سنتی و عرفی شکل گیرد و هم تلاشی برای ایجاد حس اعتماد، تعهد و تعلق اجتماعی محلی به صورتی فراگیر ایجاد و ترویج شود.

۱-۲- **دلبستگی به مکان:** اصطلاح دلبستگی به مکان، اشاره به علقه‌ها یا پیوندهای عاطفی مردم به یک مکان خاص و دربرگیرنده محله‌ای است که در آن زندگی می‌کنند. دلبستگی به مکان عموماً به عنوان اثرات مثبت از سوی افراد و همسایگان در نظر گرفته می‌شود. برای افراد، دلبستگی به مکان؛ امنیت، دسترسی به شبکه‌های اجتماعی و حس هویت را به همراه دارد و برای محله و همسایگان منجر به پیدایش محیط‌هایی منسجم و باثبات می‌شود که مردم در آن نقش فعالی را ایفا می‌نمایند (Livingston et al, 2008: 5) و در چند سال اخیر توجه جامعه علمی (Giuliani, 2003; Low & Altman, 1992) را به خود جلب کرده است. بخشی از این علائق ناشی از آگاهی نسبت به پیوندهای انسان-مکان می‌باشد که بر اثر فرایند جهانی شدن، افزایش تحرک و تجاوز تخریب‌گرایانه به محیط مورد اهمیت قرار گرفته اند (Relph, 1976; Sanders, Bowie, 2003).



دلبستگی به مکان به طور گسترده‌ای در مطالعات علوم رفتاری و اجتماعی در دو دهه گذشته مورد بررسی قرار گرفته است. اکثر مطالعات موجود بر روی اندازه‌گیری و توصیف دامنه حس انسان، نسبت به محیطی مشخص است. این حس با تعاریف و نام‌های متعددی ذکر شده که گاهی تبیین تفاوت‌های آن مشکل می‌شود. کلمه دلبستگی ارجاع به اثر و کلمه مکان ارجاع به قرارگاه رفتاری دارد که مردم به طور احساسی و فرهنگی به آن وابسته هستند (قاضی زاده، ۱۳۹۰). چالشی میان محققان در پی شبیه‌سازی ابعاد چندگانه دلبستگی به مکان به عناصری مشترک وجود دارد. برخی محققان

همچون روگن باک و واتسون^۱ (۱۹۹۲)، ابعاد بیوفیزیکی مکان را با تأکید بر «بستر فردی» که شامل هویت مکان و وابستگی به مکان است، در نظر گرفته‌اند. هویت مکان اشاره به ابعادی از فرد [خود] دارد، همچون آمیزه‌ای از احساسات درباره مکان کالبدی خاص و پیوندهای نمادین به مکان که مشخص می‌کند ما که هستیم (Proshansky, Fabian, & Kaminoff, 1983). وابستگی به مکان اشاره به پیوندهای کارکردی یا اهداف مور نظر به مکان دارد و بازتاب‌دهنده وضعیتی است که در آن محیط کالبدی، شرایطی را برای حمایت از کاربری مورد نظر فراهم می‌کند. هویت مکان و وابستگی به مکان در برگیرنده پیوندهای عاطفی در خصوص مکان کالبدی (فیزیکی) است. علت قرار دادن هویت مکان با در نظر گرفتن ماهیت نمادین هویت و وابستگی به مکان با در نظر گرفتن ماهیت کارکردی آن در بستر فردی بدین خاطر است که آنها با پیوندهای فردی به مکان مرتبط هستند در زمینه دلبستگی اجتماعی، محققان بر این باورند که بسترهای اجتماعی و جغرافیایی نیازمند توجهات بیشتری در تحقیقات دلبستگی به مکان است و مؤلفه‌هایی همچون حس آشنایی، حس تعلق و دلبستگی محله‌ای را پیشنهاد کرده‌اند (Brown &

Perkins, 2003; Hidalgo & Hernandez, 2001). ارتباط متقابلی میان پیوندهای اجتماعی و فردی وجود دارد. ابعاد اجتماعی و کالبدی مکان با علقه‌های فردی پیوند دوسویه‌ای دارند که مرتبط با هویت مکان و وابستگی به مکان است. بنابراین تلفیقی از ارتباط متقابل میان مکان به مثابه محیط کالبدی و اجتماعی و اینکه چگونه مکان از هویت فردی یا اهداف کارکردی حمایت می‌کند، وجود دارد (M. Raymond et al, 2010: 423). این پژوهش با در نظر گرفتن هر دو سطح فردی و اجتماعی، هویت مکان و وابستگی به مکان را به عنوان بخشی از دل بستگی به مکان در نظر می‌گیرد (نمودار شماره ۱). بنابراین مدل مفهومی دل بستگی به مکان، دربرگیرنده هویت مکان و وابستگی به مکان (پیوندهای فردی به مکان) و علقه‌های اجتماعی (پیوندهای اجتماعی در مکان) است. در ادامه، بسترهای فردی و اجتماعی دل بستگی به مکان مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) دل بستگی به مکان در بستر فردی

محققان مکانی به نقش چشمگیر دل بستگی‌های فردی یا شخصی پرداخته‌اند. بسیاری از محققان (Bricker & Kerstetter, 1992; William et al, 1992; Kyle, Absher & Graefe, 2003; Moore & Graefe, 1994; Kyle, 2000) دل بستگی مکانی فردی را با استفاده از مؤلفه‌های هویت مکان و وابستگی به مکان، عملیاتی کرده‌اند. هر چند هویت مکان و وابستگی به مکان همبستگی بالایی با یکدیگر دارند، روابط مختلفی میان این مؤلفه‌ها و متغیرهای وابسته همچون سطح مهارت سرگرمی (Bricker & Kerstetter, 2000)، تجربه تاریخی مورد استفاده (Hammit, Backlund & Bixler, 2004; Hammit, Kyle & Kerstetter, 2000) (Oh, 2009)، ارزش‌های منظر (Brown & Raymond, 2007) و اولویت‌های هزینه‌ای بازدیدکنندگان (Kyle, Graefe, Manning & Bacon, 2004; Kyle et al, 2003) وجود دارد. محققان رابطه میان این دو مؤلفه از دل بستگی به مکان را از طریق مقایسه با رفتارهای طرفداران محیط زیست – که در آنان ارتباط مثبت معناداری میان هویت مکان و تمایل به مشارکت در رفتارهای حفاظت کننده از محیط زیست وجود داشت – دریافتند (M. Raymond et al, 2010: 423).

ب) دل بستگی به مکان در بستر اجتماعی

بستر اجتماعی نقش مهمی در شکل دادن دل بستگی به مکان دارد که با استفاده از مؤلفه‌هایی همچون دل بستگی اجتماع محلی، تعلق به مکان، ریشه‌داری و حس آشنایی عملیاتی و اندازه‌گیری می‌شود. بستر اجتماعی براساس مدلی سیستماتیک از ارتباط میان ساکنان و اجتماع محلی‌شان می‌باشد. این مدل سیستماتیک بر این فرض استوار است که دل بستگی‌های اجتماعی شدیداً مرتبط با پیوندهای فردی به شبکه‌های اجتماع محلی و تعامل میان آنها است (Kasarda & Janowitz, 1974). پرکینز و لانگ (۲۰۰۲) این ارتباطات اجتماعی با مکان را تحت پیوند اجتماعی، حسی از تعلق یا عضویت گروهی از مردم با یکدیگر براساس علائق، دغدغه‌ها و تاریخ مشترک در نظر گرفته‌اند. محققانی همچون های^۱ (۱۹۹۸) دریافتند که پیوندهای فرهنگی و نسبی (اجدادی) در گسترش ریشه‌های دل بستگی به مکان بسیار اهمیت هستند. هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۲) مشاهده کردند که دل بستگی اجتماعی از دل بستگی کالبدی که شامل خانه، محله و شهر می‌شود، عمیقاً قوی‌تر است.

مؤلفه‌های شکل دهنده دل بستگی به مکان در بستر اجتماعی همان‌طور که در بالا ذکر گردید شامل تعلق به مکان – جایی که مردم احساس می‌کنند عضوی از محیط هستند (Mesch & Manor, 1998; Milligan, 1998). ریشه‌داری مکان – اشاره به پیوندهای قوی به خانه – دارد (Hay, 1998; Tuan, 1980). حس آشنایی به مکان بیانگر خاطرات خوشایند، تداعی خاطرات و تصاویر محیطی مرتبط با مکان و دل بستگی محله‌ای است که پیوندهای عاطفی فرد را با محیط اطرافش گره می‌زند (Brown et al, 2003).

۲- روش شناسی

از آنجایی که هدف این پژوهش، تعیین روابط علی میان متغیر دلبستگی به مکان و ظرفیت اجتماعی است، پس تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری اطلاعات توصیفی و پیمایشی و از نظر نوع تحلیل، همبستگی و به طور مشخص مبتنی بر مدل تحلیل رگرسیون است. برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از طریق نرم افزار SPSS انجام شده است. در خصوص بررسی روایی، پرسشنامه تحقیق چندین بار توسط اساتید و کارشناسان مورد بازبینی قرار گرفت و نظرات انتقادی و پیشنهادهای اصلاحی آنان اعمال گردید. برای بررسی پایایی پرسشنامه، تعداد ۳۳ پرسشنامه به عنوان پایلوت در محلات منتخب مورد بررسی و تکمیل قرار گرفت. میزان آلفای کرونباخ این پایلوت برای متغیر دلبستگی به مکان ۰/۷۱۰، و برای متغیر ظرفیت اجتماعی با حذف سؤالات نامرتبط (دارای همبستگی پایین با دیگر سؤالات) به ترتیب ۰/۶۱۲ می باشد.

مقدار حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران و با دقت ۹۵ درصد براساس فرمول زیر برابر است با:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \longrightarrow n = \frac{(12756)(1/96)^2(3/7)}{(12756)(0/176)^2 + (1/96)^2(3/7)} = 443$$

با جایگزین نمودن ارقام فوق در فرمول مربوطه تعداد نمونه‌های بدست آمده برابر با ۴۴۳ نفر گردید که با توجه به پراکنش جمعیتی و لزوم معرف بودن نمونه هر محله تعداد ۳۶ نفر به حجم نمونه افزوده و در نهایت ۴۷۶ پرسشنامه تکمیل شد به نحوی که در هر محله تعداد نمونه کمتر از ۱۰۰ نفر نباشد (د واس، ۱۳۸۳: ۸۰). در جدول شماره ۱، جمعیت و نمونه آماری در محلات ۴ گانه تشریح شده است.

جدول ۱: جمعیت و نمونه آماری در محلات منتخب

محله	جمعیت		نمونه		نمونه تعدیل شده	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الهیه	۲۳۸۴	۱۹	۸۴	۱۹	۱۰۲	۲۱
نارمک	۴۵۰۵	۳۵	۱۵۵	۳۵	۱۵۵	۳۳
هاشمی	۲۵۶۹	۲۰	۸۹	۲۰	۱۰۴	۲۲
یافت آباد	۳۲۹۸	۲۶	۱۱۵	۲۶	۱۱۵	۲۴
جمع	۱۲۷۵۶	۱۰۰	۴۴۳	۱۰۰	۴۷۶	۱۰۰

سپس در داخل محله‌ها، پاسخگویان به روش نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب و با آنان مصاحبه صورت گرفت. بدین طریق که ابتدا تعداد واحدهای مسکونی در هر محله مشخص شد. سپس با تعیین نسبت نمونه‌گیری و پیدا کردن نقطه شروع با استفاده از جدول اعداد تصادفی به درب منازل مراجعه و با در نظر گرفتن نسبت سنی و جنسی با نمونه‌ها مصاحبه به عمل آمد.

۳- یافته‌ها

۳-۱- یافته‌های توصیفی

در این قسمت شاخص‌های تحقیق به همراه کلیه سؤالات پرسشنامه و مولفه‌های تحقیق توصیف می‌شوند. در هر شاخص ابتدا سؤالاتی که طیف یکسانی دارند (مثلاً بر روی طیف ۱ تا ۵ طراحی شده‌اند) در قالب یک جدول توصیف می‌شوند. سپس جداول و نمودار مربوط به مؤلفه‌ها ارائه و نهایتاً جدول مربوط شاخص ارائه شده است.

• شاخص ظرفیت اجتماعی

در خصوص ظرفیت اجتماعی، همان طور که قبلا به آن اشاره شد، این متغیر از سه مولفه اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است که هر یک از مولفه‌های فوق‌الذکر به تعدادی گویه و سؤال تقسیم شده است. جدول شماره ۲- گویه‌های شاخص ظرفیت اجتماعی را نشان می‌دهد.

جدول ۲: توصیف گویه‌های شاخص ظرفیت اجتماعی

مؤلفه	سؤال	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
اعتماد اجتماعی	تا چه اندازه به همسایگانتان اعتماد و شناخت دارید؟	۲.۹۹	۱۲.۸	۱۸.۳	۳۵.۲	۲۲.۵	۱۰.۳	۸
	چقدر از نظر وضعیت مالی با همسایگانتان شباهت دارید؟	۳.۰	۱۰.۵	۱۲.۶	۴۹.۷	۱۸.۵	۷.۶	۱.۱
انسجام اجتماعی	همسایگانتان تا چه میزان از نظر آداب و رسوم و عقاید مذهبی مشابه شما هستند؟	۲.۹۸	۱۴.۳	۱۷.۳	۳۵.۴	۲۲.۱	۹.۷	۱.۳
	تا چه حد در مدارس شما، در خصوص آموزش‌های شهروندی به شما اطلاع رسانی شده است؟	۲.۲۷	۳۴.۹	۲۴.۴	۲۴.۴	۹.۳	۶.۱	۸
مشارکت اجتماعی	تا چه حد تمایل دارید در قالب انجمن‌ها و نهادهای دانش‌آموزی راجع به مشکلات محله تان با شورای محله همفکری کنید؟	۲.۴۸	۳۴.۱	۲۰.۰	۱۹.۶	۱۲.۶	۱۲.۰	۱.۷
	میزان مشارکت همسایگان در حل مشکلات محله تا چه اندازه است؟	۲.۳۷	۳۰.۷	۲۴.۰	۲۴.۲	۱۳.۱	۵.۷	۲.۳

مطابق جدول فوق، بیشترین میانگین مربوط به شباهت مالی همسایگان و کمترین میانگین مربوط به آموزش‌های شهروندی در مدارس است. در خصوص عضویت در نهادهای اجتماعی، بیشترین درصد مربوط به باشگاه است که ۳۵.۲ درصد پاسخگویان در آن عضو بوده‌اند. ۲۸.۲ درصد در کتابخانه، ۶.۷ درصد در فرهنگسرا، ۶.۱ درصد در انجمن‌های علمی و دانش‌آموزی، ۵.۹ درصد در سرای محله و ۴.۲ درصد در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان عضو هستند. ۲۶.۱ درصد نوجوانان نیز در هیچ کدام از نهادهای فوق عضو نیستند.

در راستای سنجش اعتماد (بعد اعتماد نهادی) سؤالی با این مضمون پرسیده شد «کدامیک از سازمان‌های اجتماعی، در بهبود وضعیت محله شما نقش بیشتری دارند؟» ۶۷.۸ درصد شهرداری را نهادی دانسته‌اند که بیشترین نقش را در بهبود محله دارد. ۳۲.۴ درصد کلاتری، ۱۸.۳ درصد شورایاری محله، ۱۷.۷ درصد مساجد، ۱۰.۹ درصد بسیج و ۲.۵ درصد نیز نهادهای خیریه را به عنوان نهادی ذکر کرده‌اند که بیشترین نقش را در بهبود وضعیت محله دارد. از مجموعه سؤالات فوق، شاخص ظرفیت اجتماعی محله ساخته شد که نتایج آن در جدول زیر ملاحظه می‌شود.

جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب ارزیابی از ظرفیت اجتماعی محله

میانگین (۰-۱۰۰)	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۴۲.۲	۲۸.۸	۲۸.۸	۱۳۷	کم
	۹۳.۳	۶۴.۴	۳۰۶	متوسط
	۱۰۰.۰	۶.۷	۳۲	زیاد
	-	۱۰۰.۰	۴۷۵	جمع

بر اساس جدول شماره ۳، تنها ۶.۷ درصد ظرفیت اجتماعی محله خود را زیاد ارزیابی کرده‌اند. ۶۴.۴ درصد ظرفیت اجتماعی محله خود را متوسط و ۲۸.۸ درصد کم ارزیابی کرده‌اند. میانگین ارزیابی نوجوانان از ظرفیت اجتماعی محله بر روی طیف ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۴۲.۲ است که از نقطه وسط طیف کمتر است.

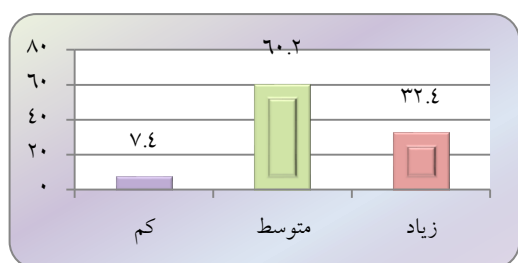
• شاخص دل‌بستگی به مکان

در خصوص توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله، همان طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، در تمام سؤالات جز سؤال [تا چه اندازه در محل زندگی تان، مکان های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟]، میانگین از نقطه وسط طیف یعنی عدد ۳ بالاتر است. بیشترین میانگین مربوط به داشتن خاطره‌های خوب از محله و کمترین میانگین نیز مربوط وجود مکان‌های خاص در محله است.

جدول ۴: توصیف گویه‌های شاخص دل‌بستگی به محله

مؤلفه	سؤالات	میانگین (۱-۵)	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بدون پاسخ
هویت مکان	تا چه حد دوست دارید که در همین محله فعلی تان زندگی کنید؟	۳.۵۸	۸.۴	۹.۱	۳۰.۱	۲۰.۸	۳۱.۴	۰.۲
	چقدر از محل سکونت خود خاطره‌های خوب و به یادماندنی دارید؟	۳.۷۰	۵.۱	۱۰.۵	۲۵.۵	۲۷.۴	۳۱.۶	۰
	تا چه اندازه در محل زندگی تان، مکان های خاصی وجود دارند که توجه شما را جلب کند؟	۲.۹۵	۱۴.۵	۱۹.۲	۳۳.۹	۲۰.۲	۱۱.۶	۰.۶
وابستگی به مکان	فکر می‌کنید اگر بنا به دلایلی مجبور به ترک محله خود شوید، چقدر ناراحت خواهید شد؟	۳.۲۴	۱۵.۲	۱۵.۶	۲۳.۴	۲۱.۳	۲۴.۴	۰.۲
	تا چه حد از زندگی در این محله احساس آرامش و آسایش می‌کنید؟	۳.۴۹	۷.۶	۸.۴	۳۴.۵	۲۵.۷	۲۳.۲	۰.۶
	تا چه حد در مقابل حفظ و نگهداری محله تان، احساس مسئولیت می‌کنید؟	۳.۴۵	۷.۴	۱۰.۵	۳۰.۱	۳۳.۱	۱۸.۳	۰.۶
پیوندهای اجتماعی	تا چه حد با همسایگانتان، رابطه دوستانه دارید؟	۳.۱۵	۱۲.۶	۱۴.۳	۳۳.۵	۲۳.۴	۱۵.۸	۰.۴
	در صورت بروز مشکل و ناراحتی تا چه حد به همسایگانتان کمک می‌کنید؟	۳.۱۷	۱۰.۵	۱۲.۴	۳۹.۲	۲۴.۶	۱۳.۱	۰.۲

نمودار شماره ۲- شاخص دل‌بستگی نوجوانان



برای سنجش مؤلفه وابستگی به مکان علاوه بر سؤالاتی که مربوط به این مؤلفه که در جدول شماره ۴ ارائه شده است، دو سؤال «طول

مدت اقامت در محله» و «محل سکونت قبلی پاسخگویان» نیز پرسیده شد. تجمیع نتایج به دست آمده نمایانگر این است که در محلات منتخب ۱۷/۳ درصد جمعیت مورد مطالعه، دو سال و کمتر در منطقه ساکن بوده‌اند، ۱۷/۷ درصد بین ۲ تا ۵ سال و ۶۴/۶ درصد بیشتر از ۵ سال در منطقه مقیم بوده‌اند. همچنین در خصوص محل سکونت قبلی، ۵/۵ درصد از افراد نمونه محل سکونت قبلی آنها در سایر نقاط کشور بوده است. ۵/۵ درصد در همین استان، ۲۰/۴ درصد در همین شهر، ۳۸/۳ درصد در همین منطقه و ۳۰/۱ درصد در همین محل سکونت داشته‌اند.

از مجموع ۱۰ سؤال فوق، شاخص دل‌بستگی به محله ساخته شده است. بر این اساس، ۷۰/۴ درصد پاسخگویان دل‌بستگی کمی به محله خود دارند. ۶۰/۲ درصد دل‌بستگی متوسط و ۳۲/۴ درصد نیز دل‌بستگی زیاد به محله خود دارند (نمودار شماره ۲). میانگین ۵۷/۶ از ۱۰۰ حاکی از دل‌بستگی بالاتر از متوسط نوجوانان به محله خود است (جدول شماره ۵).

جدول ۵: توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص دل‌بستگی به محله

میانگین	درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	
۵۷/۶	۷/۴	۷/۴	۳۵	کم
	۶۷/۶	۶۰/۲	۲۸۶	متوسط
	۱۰۰	۳۲/۴	۱۵۴	زیاد
	-	۱۰۰	۴۷۵	جمع

۳-۲- مقایسه محله‌ها از نظر شاخص‌های تحقیق

در این قسمت، شاخص دل‌بستگی به مکان و ظرفیت مکانی را به تفکیک در چهار محله مورد بررسی مقایسه نموده و در این راستا به منظور مقایسه محله‌ها از آزمون F یا تحلیل واریانس یک طرفه استفاده می‌شود. در آزمون پارامتریک F (تحلیل واریانس یک طرفه)^۱ متغیر مستقل، اسمی یا ترتیبی سه وجهی یا بیشتر و متغیر وابسته فاصله‌ای است. در صورتی که آزمون F بین ۴ محله به صورت کلی تفاوت معنادار از نظر شاخص مورد نظر تشخیص داده شود، برای مقایسه محلات با همدیگر از آزمون تکمیلی Tukey نیز استفاده خواهد شد. با استفاده از این آزمون در واقع ۴ محله خوشه‌بندی شده و به عبارت دیگر به این سؤال پاسخ داده می‌شود که از نظر شاخص مورد بررسی، کدام محله‌ها شبیه هم و کدام محله‌ها با هم متفاوت هستند.

۳-۲-۱- شاخص دل‌بستگی به محله

نتایج آزمون F نشان می‌دهد در دو متغیر هویت مکان و وابستگی به مکان و همچنین شاخص دل‌بستگی به محله بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ یک درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. در متغیر پیوندهای اجتماعی بین ۴ محله تفاوت معناداری وجود ندارد.

۱- این آزمون، گروه‌ها را از نظر میانگین نمره متغیر وابسته با هم مقایسه کرده و معناداری یا عدم معناداری اختلاف بین میانگین گروه‌ها را بررسی می‌نماید.

جدول ۶: نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل بستگی به محله

متغیر	محله	تعداد	میانگین	F	معناداری
هویت مکان	الهیه	۱۰۲	۷۰.۲۶۱۴	۱۹.۷۹۲	۰.۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۵.۰۷۰۳		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳.۸۴۶۲		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۰.۶۵۲۲		
وابستگی به مکان	الهیه	۱۰۲	۶۰.۹۵۵۹	۹.۱۷۴	۰.۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۰.۷۷۹۲		
	هاشمی	۱۰۴	۵۲.۰۴۳۳		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۴.۴۸۹۱		
پیوندهای اجتماعی	الهیه	۱۰۲	۵۱.۷۱۵۷	۰.۶۱۶	۰.۶۰۵
	نارمک	۱۵۴	۵۵.۶۰۰۶		
	هاشمی	۱۰۴	۵۵.۲۸۸۵		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۳.۲۶۰۹		
شاخص دل بستگی به محله	الهیه	۱۰۲	۶۱.۸۹۸۱	۱۱.۱۵۳	۰.۰۰۰
	نارمک	۱۵۴	۶۱.۰۴۴۴		
	هاشمی	۱۰۴	۵۳.۲۲۹۲		
	یافت آباد	۱۱۵	۵۳.۰۹۹۰		

نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد از نظر متغیر هویت مکان دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی هویت مکانی بیشتری دارند. از نظر متغیر وابستگی به مکان نیز دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی دل بستگی بیشتری به محله‌شان دارند. نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی وابستگی بیشتری به محله‌شان دارند. در مجموع یافته‌های آزمون Tukey از نظر شاخص دل بستگی به محله نشان می‌دهد دو محله یافت آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت آباد و هاشمی دل بستگی بیشتری به محله‌شان دارند.

جدول ۷: نتایج آزمون Tukey برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص دل بستگی به محله

گروه‌ها		تعداد	
۲	۱		
	۵۳.۰۹۹۰	۱۱۵	یافت آباد
	۵۳.۲۲۹۲	۱۰۴	هاشمی
۶۱.۰۴۴۴		۱۵۴	نارمک
۶۱.۸۹۸۱		۱۰۲	الهیه
۰.۹۷۵	۱.۰۰۰		معناداری

۳-۲-۲- شاخص ظرفیت اجتماعی

نتایج آزمون F نشان می‌دهد فقط در متغیر مشارکت اجتماعی بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. معناداری متناظر با آزمون F نشان می‌دهد تفاوت مشاهده شده در نمونه با لحاظ ۵ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. اما در سایر متغیرهای مورد بررسی که در ذیل شاخص ظرفیت اجتماعی آمده‌اند بین محله‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۸: نتایج آزمون F برای مقایسه محله‌ها از نظر شاخص ظرفیت اجتماعی

معناداری	F	میانگین	تعداد	محله	متغیر
۰.۵۵۶	۰.۶۹۴	۵۱.۶۲۵۰	۱۰۰	الهیة	انسجام اجتماعی
		۴۹.۳۵۰۶	۱۵۴	نارمک	
		۴۷.۳۵۵۸	۱۰۴	هاشمی	
		۴۹.۶۷۱۱	۱۱۴	یافت آباد	
۰.۰۴۴	۲.۷۱۹	۳۱.۷۰۶۷	۱۰۱	الهیة	مشارکت اجتماعی
		۳۵.۹۴۶۲	۱۵۴	نارمک	
		۳۶.۱۲۶۴	۱۰۴	هاشمی	
		۳۹.۶۴۸۰	۱۱۵	یافت آباد	
۰.۲۷۲	۱.۳۰۵	۵۴.۲۹۲۹	۹۹	الهیة	اعتماد اجتماعی
		۴۹.۸۳۶۶	۱۵۳	نارمک	
		۴۹.۰۳۸۵	۱۰۴	هاشمی	
		۴۶.۵۲۱۷	۱۱۵	یافت آباد	
۰.۶۳۷	۰.۵۶۶	۴۱.۰۶۷۱	۱۰۲	الهیة	شاخص ظرفیت اجتماعی
		۴۲.۲۶۱۹	۱۵۴	نارمک	
		۴۱.۶۲۹۷	۱۰۴	هاشمی	
		۴۳.۷۶۲۵	۱۱۵	یافت آباد	

از نظر مؤلفه مشارکت اجتماعی نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد محله الهیه کمترین میزان مشارکت اجتماعی را در بین محله‌ها داراست که می‌تواند با محله‌های نارمک و هاشمی در یک خوشه قرار بگیرد. از طرف دیگر محله یافت آباد نیز بیشترین میزان مشارکت اجتماعی را داراست که به همراه محله هاشمی و نارمک می‌توانند تشکیل یک خوشه را بدهند. در مجموع می‌توان گفت از نظر متغیر مشارکت اجتماعی فقط بین الهیه و یافت آباد تفاوت معنادار است.

۳-۳- رابطه شاخص ظرفیت اجتماعی با دلستگی به محله

برای آزمون فرضیات با توجه به اینکه توزیع متغیرها نرمال است از آزمون‌های پارامتریک استفاده می‌شود. در این میان، برای سنجش رابطه دو متغیر، ضریب همبستگی پیرسون به کار گرفته شده است و برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های متغیر مستقل (ظرفیت اجتماعی) بر متغیر وابسته (دلستگی به محله) از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش Stepwise استفاده می‌شود:

از بین مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی، متغیر اعتماد بیشترین همبستگی را با متغیر دلستگی به محله دارد. ضریب پیرسون برابر با ۰.۴۴۱ است که همبستگی بین دو متغیر مذکور را متوسط نشان می‌دهد. پس از آن مؤلفه‌های مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی قرار دارند. همه مؤلفه‌ها همبستگی مثبت با متغیر دلستگی به محله دارند. با توجه به این که مقدار معناداری در تمام مؤلفه‌ها کمتر از ۰.۰۱ است بنابراین همبستگی‌های مشاهده شده در نمونه با ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد.

ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی همبستگی بین متغیر شاخص ظرفیت اجتماعی و دلستگی به محله برابر با ۰.۳۸۰ است که

حاکمی از همبستگی متوسط بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چه ظرفیت‌های اجتماعی محله بیشتر باشد دل‌بستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. مقدار معناداری برابر با ۰.۰۰۰ است که نشان می‌دهد همبستگی مشاهده شده در نمونه با ۱ درصد خطا قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. جدول زیر رابطه مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی را با متغیر وابسته دل‌بستگی به محله نشان می‌دهد.

جدول ۹: نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی و دل‌بستگی به محله

متغیر مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	معناداری
انسجام اجتماعی	۰.۱۸۸	۰.۰۴	۰.۰۰۰
مشارکت اجتماعی	۰.۲۶۰	۰.۰۷	۰.۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰.۴۴۱	۰.۱۹	۰.۰۰۰
شاخص ظرفیت اجتماعی	۰.۳۸۰	۰.۱۴	۰.۰۰۰

در ادامه مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی در دستگاه رگرسیون قرار داده می‌شود تا بدین وسیله بتوان به طور دقیق‌تر بیان کرد که ۳ مؤلفه ظرفیت اجتماعی در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش «گام به گام» نشان می‌دهد در مرحله اول، متغیر اعتماد اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰: بررسی ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین برای بررسی رابطه بین مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی و دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیرها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	F	معناداری
۱	اعتماد اجتماعی	۰.۴۳۴	۰.۱۸۷	۱۰۸.۱۱۰	۰.۰۰۰
۲	اعتماد اجتماعی	۰.۴۵۳	۰.۲۰۲	۵۹.۹۹۶	۰.۰۰۰
	مشارکت اجتماعی				

همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود مؤلفه اعتماد با متغیر دل‌بستگی به محیط دارای همبستگی متوسط (۰.۴۳۴) است. این متغیر به تنهایی حدود ۱۹ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کند. در مرحله بعد مؤلفه مشارکت اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است و متغیر انسجام اجتماعی از معادله حذف شده است. به عبارت دیگر این متغیر (انسجام اجتماعی) با وجود دو متغیر (اعتماد و مشارکت اجتماعی) تأثیر چندانی بر متغیر دل‌بستگی به محله ندارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین ۲ مؤلفه ظرفیت اجتماعی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دل‌بستگی به محله، همبستگی چندگانه متوسط برقرار است. در مجموع ۲ مؤلفه ظرفیت اجتماعی حدود ۲۰ درصد از واریانس متغیر دل‌بستگی به محله را تبیین می‌کنند. با توجه به توزیع F، تمامی ضرایب همبستگی و ضرایب تبیین معنادار بوده و قابل تعمیم به جامعه آماری کل می‌باشد. در جدول زیر ضرایب رگرسیون برای هر کدام از مؤلفه‌ها، نشان داده شده است.

جدول ۱۱: ضرایب رگرسیون برای بررسی تأثیر مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی بر دل‌بستگی به محله

مرحله	متغیر	B	Beta	T	معناداری
۱	عرض از مبدأ	۴۵.۸۳۰	-	۳۴.۴۸۸	۰.۰۰۰
	اعتماد	۰.۲۳۹	۰.۴۳۴	۱۰.۳۹۸	۰.۰۰۰
۲	عرض از مبدأ	۴۳.۱۹۶	-	۲۷.۶۶۳	۰.۰۰۰
	اعتماد	۰.۲۱۵	۰.۳۹۱	۸.۹۴۱	۰.۰۰۰
	مشارکت اجتماعی	۰.۱۰۶	۰.۱۳۷	۳.۱۳۵	۰.۰۰۲

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد در مرحله سوم که ۲ مؤلفه ظرفیت اجتماعی، وارد معادله رگرسیون شده‌اند عرض از مبدأ برابر با ۴۳.۱۹۶ است که نشان می‌دهد در صورتی که هر ۲ مؤلفه مذکور برابر با صفر باشد میزان متغیر دلبستگی به محله برابر با ۴۳.۱۹۶ (از ۱۰۰) خواهد بود. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه اعتماد، برابر با ۰/۳۹۱ است که نشان‌دهنده این است که با فرض ثابت بودن سایر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه اعتماد، ۰.۳۹۱ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دلبستگی به محله به وجود خواهد آمد. ضریب استاندارد رگرسیون برای مؤلفه مشارکت اجتماعی، برابر با ۰.۱۳۷ است که نشان‌دهنده این است که با فرض ثابت بودن سایر مؤلفه‌ها، به ازای یک واحد انحراف استاندارد تغییر در مؤلفه مشارکت اجتماعی، ۰.۱۳۷ واحد انحراف استاندارد تغییر در همان جهت در متغیر دلبستگی به محله به وجود خواهد آمد. تمامی ضرایب عرض از مبدأ و ضرایب رگرسیون با توجه به توزیع T معنادار بوده و ضرایب مشاهده شده در نمونه قابل تعمیم به جامعه آماری کل می‌باشد.

۳-۴- نتیجه گیری

امروزه ایجاد هر گونه تغییر به منظور توسعه، بدون توجه به ظرفیت‌های اجتماعی و نقش آفرینی گروه‌های ذی نفع ممکن نیست. در ظرفیت اجتماعی، سعی بر آن است تا با شناسایی، تقویت و بهره برداری از ظرفیت‌های محلی و لحاظ کردن نقش همه بهره‌وران، به طور خاص از ظرفیت‌هایی استفاده شود که ماهیت اجتماعی دارند و از خلال فرایندهای جمعی مانند مشارکت در شبکه‌ها و ارتباطات محلی شکل می‌گیرند. در این تحقیق، از نظر شاخص دلبستگی به محله دو محله یافت‌آباد و هاشمی در یک خوشه و محله‌های نارمک و الهیه در خوشه دیگری قرار گرفتند به گونه‌ای که نوجوانان دو محله نارمک و الهیه به طرز معناداری نسبت به نوجوانان دو محله یافت‌آباد و هاشمی دلبستگی بیشتری به محله‌شان دارند. در خصوص متغیر ظرفیت اجتماعی که در برگیرنده سه مولفه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی است، فقط در مولفه مشارکت اجتماعی بین محله‌های مورد بررسی تفاوت معنادار وجود دارد. از نظر مؤلفه مشارکت اجتماعی نتایج آزمون Tukey نشان می‌دهد محله الهیه کمترین و محله یافت‌آباد بیشترین میزان مشارکت اجتماعی را در بین محله‌ها دارا هستند. در خصوص ارتباط متغیر ظرفیت اجتماعی با دلبستگی به محله حاکی از همبستگی متوسط بین دو متغیر است. به عبارت دیگر هر چه ظرفیت‌های اجتماعی محله بیشتر باشد، دلبستگی نوجوانان به محله نیز بیشتر خواهد بود. در ادامه مؤلفه‌های ظرفیت اجتماعی در دستگاه رگرسیون قرار داده شد تا بدین وسیله بتوان به طور دقیق‌تر بیان کرد که ۳ مؤلفه ظرفیت اجتماعی در مجموع چند درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند. نتایج تحلیل رگرسیون به روش «گام به گام» نشان می‌دهد در مرحله اول، متغیر اعتماد اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است. این متغیر به تنهایی حدود ۱۹ درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کند. در مرحله بعد مؤلفه مشارکت اجتماعی وارد معادله رگرسیون شده است و متغیر انسجام اجتماعی از معادله حذف شده است. به عبارت دیگر این متغیر (انسجام اجتماعی) با وجود دو متغیر (اعتماد و مشارکت اجتماعی) تأثیر چندانی بر متغیر دلبستگی به محله ندارند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد بین ۲ مؤلفه ظرفیت اجتماعی که در معادله رگرسیون باقی مانده‌اند با متغیر دلبستگی به محله، همبستگی چندگانه متوسط برقرار است. در مجموع ۲ مؤلفه ظرفیت اجتماعی حدود ۲۰ درصد از واریانس متغیر دلبستگی به محله را تبیین می‌کنند. لذا براساس نتایج به دست آمده آنچه که باید به عنوان بستر لازم برای به کارگیری ظرفیت‌های اجتماعی در اجتماعات محلی صورت گیرد، افزایش اعتماد ذی نفعان و نهادهای محلی و نیز فراهم کردن امکان رشد سازمان‌های غیر دولتی (NGO) و سازمان‌های محله‌مبنا (CBO) و توجه ویژه به ظرفیت‌های مشارکتی است.

- ۱- پورجعفر، محمدرضا؛ محمودی نژاد، هادی (۱۳۸۸)؛ **طراحی شهری و سرمایه اجتماعی در فضاهای شهری**، تهران: هله.
 - ۲- توسلی، غلامعباس؛ اصل زعیم، مهدی (۱۳۸۷)؛ بررسی عوامل فرهنگی- اجتماعی موثر بر هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: شهر هشتگرد، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال اول، شماره اول.
 - ۳- حاجی پور، خلیل (۱۳۸۵)؛ برنامه‌ریزی محله‌مبنا؛ رهیافتی کارآمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار، **نشریه هنرهای زیبا**، شماره ۲۶.
 - ۴- فتحی، سروش (۱۳۹۱)؛ تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال چهارم، شماره چهارم.
 - ۵- نوابخش، مهرداد؛ صوری، صداقت (۱۳۸۸)؛ بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر گرمی، **مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران**، سال اول، شماره سوم.
 - ۶- محمدی آیدغمیش، فاطمه (۱۳۸۹)؛ بررسی کارایی رویکرد توسعه‌داریی مبنا بر سرمایه اجتماعی با تکیه بر سرمایه اجتماعی در بهبود بافت‌های نابسامان شهری، **پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای**، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- 7- Altman, I., & Low, S. (1992). Place attachment. New York: Plenum Press.
 - 8- Brown, B., Perkin, D., & Brown, G. (2003). Place attachment in a revitalizing neighbourhood: Individual and block levels of analysis. *Journal of Environmental Psychology*, 23, 259-271.
 - 9- Fridman, John (1993), "Toward a Non-Euclidian Mode of Planning-APA Journal", Autumn – 482.
 - 10- Giuliani, M. V. (2003). Theory of attachment and place attachment. In M. Bonnes, T. Lee, & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological theories for environmental issues* (pp.137-170). Aldershot: Ashgate.
 - 11- Hay, R. (1998). Sense of place in developmental context. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 5-29.
 - 12- Hidalgo, M. Carmen, Hernandez, Bernardo (2001). Place Attachment: Conceptual and Empirical Questions, *Journal of Environmental Psychology*, No.21, pp: 273-281.
 - 13- Kasarda, J. D. & Janowitz, M. (1974). Community attachment in mass society. *American Sociological Review*, 39, 328-339.
 - 14- Livingston, M., Bailey, N., and Kearns, A. (2008) People's attachment to place: the influence of neighbourhood deprivation. Project Report. Chartered Institute of Housing/Joseph Rowntree Foundation, Coventry.
 - 15- M. Raymond, Christopher; Brown, Gregory; Weber, Delence (2010); The measurement of place attachment: Personal, community, and environmental Connections, No.30, PP: 422-434
 - 16- Mesch, G.S. and Manor, O. (1998), 'Social ties, environmental perception, and local attachment', *Environment and Behavior*, 30:4, pp. 504-519.
 - 17- Milligan, M. J. (1998). Interactional past and potential: The social construction of place attachment. *Symbolic Interaction*, 21(1), 1-33.
 - 18- Proshansky, H., Fabian, A.K., & Kaminoff, R. (1983). Place identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology*, 3, 57-83.
 - 19- Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion Limited.
 - 20- Rosland, Mark (2000), *Sustainable Community Development: Integrating Environmental, Economic and Social Objectives*, Community Economic Development Center, Department of Geography, Simon Fraser University.
 - 21- Sanders, S., Bowie, S. L., & Bowie, Y. D. (2003). Lessons learned on forced relocation of older adults: the impact of hurricane Andrew on health, mental health, and social support of public housing residents. *Journal of Gerontological Social Work*, 40, 23-35.
 - 22- Tuan, Y. F. (1980). Rootedness versus sense of place. *Landscape*, 24, 3-8.
 - 23- Warner, F. (1999); "Social Capital Construction and the role of the Local", *Rural Sociology*, Vol. 63, No.3.